

بررسی تجربی تأثیرپذیری رفاه جامعه اسلامی از عقلانیت اقتصادی اسلامی

سعید گرشاسبی فخر^۱

چکیده

یکی از الزامات تحقق کامل الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، حرکت به سمت سبک زندگی اسلامی می‌باشد و توجه به عقلانیت اقتصادی اسلامی، مسیر فوق را هموارتر می‌نماید. هدف از این مقاله، بررسی تجربی نقش عقلانیت اقتصادی اسلامی بر بهبود رفاه جامعه‌ی اسلامی در راستای تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد. توجه بیش از پیش به عقلانیت اقتصادی صرف و عدم دستیابی به موفقیت در بهبود رفاه در جامعه، اهمیت و ضرورت چنین پژوهش‌هایی را نشان می‌دهد. از این رو، پس از طرح چارچوب نظری با استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته به بررسی مشاهدات تجربی مربوط به ۲۴ استان ایران در دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۴ پرداخته شده است. مهم‌ترین فرضیه‌ی این پژوهش، بررسی نقش مثبت عقلانیت اقتصادی اسلامی بر جامعه‌ی اسلامی می‌باشد که یافته‌های تحقیق، تأییدکننده فرضیه‌ی مذکور هستند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش انفاق، تأثیر مثبتی بر کاهش ضریب جینی و در نتیجه بهبود توزیع درآمد داشته است. بر این اساس، هر چه که جامعه از عقلانیت اقتصادی اسلامی بالاتری برخوردار باشد، توزیع درآمد از روند مناسب‌تری برخوردار بوده و یکی از شاخص‌های رفاه جامعه‌ی اسلامی بهبود می‌یابد؛ از دیگر نتایج این تحقیق می‌توان به تأیید فرضیه‌ی کوزنتس و تأثیر مثبت افزایش نرخ بیکاری بر افزایش ضریب جینی اشاره کرد. از این رو، نهادینه کردن و تقویت عقلانیت اقتصادی اسلامی در جامعه جهت افزایش رفاه جامعه اسلامی پیشنهاد داده می‌شود.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، عقلانیت اقتصادی اسلامی، صدقه، رفاه اقتصادی، توزیع درآمد.

۱. استادیار دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

garshasebi.saeid@yahoo.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از الزامات تحقق کامل الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در بخش نرم افزاری این الگو، توجه به سبک زندگی اسلامی ایرانی می‌باشد. توجه به سبک زندگی و تغییر در آن، نیازمند تغییرات فرهنگی در زندگی افراد یک جامعه است. یکی از مصادیق تغییرات فرهنگی، نهادینه کردن توجه به عقلانیت اسلامی در همه‌ی حوزه‌ها از جمله حوزه‌ی اقتصادی می‌باشد. بنابراین، تمرکز بر عقلانیت اقتصادی اسلامی و تبیین نقش آن بر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی می‌تواند در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نقش به‌سزایی داشته باشد. یکی از شاخص‌های سنجش رفاه یک جامعه، چگونگی توزیع درآمد در آن جامعه است (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۱). منظور از توزیع درآمد، چگونگی تقسیم درآمد حاصل از تولید میان عوامل تولید و یا میزان سهم‌بری هر یک از بخش‌های اقتصادی از درآمد می‌باشد. توزیع مناسب درآمد، توزیعی است که بر اساس آن هر عامل تولید بر اساس نقشی که در تولید دارد، در درآمد حاصله سهم شود و در مواردی که یکی از عوامل تولید به دلایلی خارج از اراده‌ی خود، توانایی نقش‌آفرینی در تولید یک جامعه را ندارد، زیر چتر حمایتی حاکمیت قرار گرفته و سهمی از درآمد داشته باشد. در ادبیات اقتصادی امروز، توزیع مناسب درآمد به جهت رعایت عدالت در جامعه، ثبات سیاسی و رضایت مردم از دولت از اهمیت بالایی برخوردار است. بر همین اساس، توزیع مناسب درآمد نیز از اهداف نظام اقتصادی اسلام می‌باشد. عوامل مختلف اقتصادی اجتماعی فرهنگی و سیاست‌های پولی و مالی می‌تواند بر توزیع درآمد مؤثر باشد و در این چارچوب، اقتصاد متعارف، راه‌کارهای مختلفی جهت بهبود توزیع درآمد ارائه داده است. اما آنچه که در این پژوهش مورد تأکید و بررسی قرار گرفته است، نقش عقلانیت اقتصادی اسلامی^۱ به عنوان یکی از الزامات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در وضعیت توزیع درآمد در جامعه اسلامی می‌باشد که در پژوهش‌های داخلی کمتر به آن پرداخته شده است. در اقتصاد متعارف، حداکثرسازی نفع شخصی از مفاهیم پایه‌ای محسوب می‌شود که به عنوان یکی از تعاریف عقلانیت در نظر گرفته می‌شود؛ این تعریف از عقلانیت، تاکنون توسط اقتصاددانان مختلفی به دلایل گوناگونی نقد شده است که در مبانی نظری این مقاله، به آن پرداخته می‌شود.

در کنار انتقادات وارده به تعریف اقتصاد متعارف از عقلانیت و نقش آن در شکل‌گیری نظریات اقتصادی، در عمل نیز وضعیت توزیع درآمد، بر اساس نظریات فعلی، بهبود قابل توجهی نیافته است. از این رو، توجه به تعریفی از عقلانیت اقتصادی که متفاوت با تبیین اقتصاد کلاسیک از عقلانیت باشد و بررسی تأثیر آن بر متغیرهای اقتصادی جامعه اسلامی می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد.

اسلام معتقد است که عقل انسان به عنوان یک ابزار شناخت، دارای محدودیت‌ها و موانعی است و برای تشخیص و تصمیم‌گیری لازم است که انسان در کنار عقل خود از وحی و آموزه‌های دینی کمک بگیرد و این مطلب بر روی دیدگاه‌های انسان اقتصادی اثرگذار است. عقلانیت در اقتصاد سرمایه‌داری از نوع عقلانیت ابزاری است که در آن اهداف، توسط امیال و خواسته‌های فرد تعیین می‌شود و نقش عقل تنها به تصمیم‌گیری درباره‌ی چگونگی رسیدن به اهداف محدود می‌گردد؛ اما عقلانیت در اقتصاد اسلامی، دامنه و تعریف وسیع‌تری دارد. بر اساس این تعریف، انسان مسلمان هم در انتخاب اهداف و هم در نحوه‌ی تحقق آن‌ها از عقل خود در کنار آموزه‌های وحی کمک می‌گیرد. به عبارت دیگر، نقش عقل در زندگی یک فرد مسلمان، علاوه بر تصمیم‌گیری درباره‌ی چگونگی رسیدن به اهداف، به مداخله در انتخاب اهداف نیز توسعه می‌یابد و این امر مهم یعنی انتخاب اهداف به امیال و غرایز فرد، واگذار نمی‌شود (شوریده بخت، ۱۳۸۹: ۱۳). بر اساس نظریه‌ی عقلانیت اقتصادی اسلامی، یک مصرف‌کننده، میزان مصرفش را در حدی تنظیم می‌کند که علاوه بر تأمین نیازهای زندگی در حد کفاف^۱، از پرداخت صدقات و سایر امور خیریه در راستای حداکثرکردن مطلوبیتش نیز غافل نمی‌شود. پرداخت صدقات که نوعی انفاق مستحبی محسوب می‌شود؛ از جمله نهادهایی است که نظام اقتصادی اسلام توجه ویژه‌ای به آن مبذول داشته است. بر این اساس، مسلمانان به صورت اختیاری و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی، اقدام به انجام این کار می‌کنند و پرداخت صدقات، می‌تواند نقش مؤثری در دست‌یابی به توزیع عادلانه درآمد داشته باشد.

در پرداخت صدقات که نوعی انفاق مستحبی محسوب می‌شود، ثروتمندان و افراد واقع در دهک‌های بالای درآمدی، بخشی از درآمد قابل تصرف خود را جدا می‌کنند و آن را به فقیران و

1. kifaf

افراد واقع در دهک‌های پایین درآمدی اختصاص می‌دهند. اگر این فعالیت استمرار یابد، می‌توان جریان مداوم ثروت از توانگران به نیازمندان را پیش بینی کرد؛ پس در هر مقطع زمانی، بخشی از درآمد ثروتمندان در اختیار نیازمندان قرار می‌گیرد و به این ترتیب در انفاق، نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه‌های کم‌درآمد وجود دارد که می‌تواند منجر به کاهش نابرابری درآمدی شود. با توجه به اینکه تاکنون تأثیر نهادینه کردن عقلانیت اقتصادی اسلامی بر رفاه جامعه اسلامی به صورت کمی در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است، بنابراین انجام پژوهش حاضر ضروری به نظر می‌رسد و این مقاله به دنبال آن است تا بوسیله بازتعریف عقلانیت اقتصادی در چارچوب اسلامی و تا حد امکان کمی‌سازی این مفهوم، تأثیرگذاری آن بر توزیع درآمد به عنوان یکی از شاخص‌های رفاه جامعه اسلامی را مورد بررسی قرار دهد.

۲. اهداف و سؤالات پژوهش

این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا عقلانیت اقتصادی اسلامی و نهادینه کردن آن به عنوان یکی از الزامات تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بر بهبود رفاه جامعه اسلامی تأثیر مثبت دارد، بوده و تلاش می‌کند به سؤالات فرعی ذیل پاسخ دهد.

- آیا نظریه‌ی کوزنتس در ایران از نظر آماری مورد تأیید و معنی‌دار است؟
- آیا افزایش نرخ بیکاری، تأثیر منفی و معنی‌داری بر توزیع درآمد دارد؟

۳. پیشینه پژوهش

مطالعات تجربی مرتبط با موضوع مورد پژوهش، این مقاله را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد، یک دسته شامل مقالاتی هستند که به بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد پرداخته‌اند و دسته‌ی دیگر مقالاتی هستند که به بررسی نقش عقلانیت اسلامی و انفاق‌های واجب و مستحب از جمله زکات، خمس، صدقات و عوامل تأثیرگذار بر آنها پرداخته‌اند که به بررسی برخی از آنها پرداخته شده است. در مورد دسته‌ی اول به یک مورد بسنده می‌شود و آن مطالعه‌ی ای است تحت عنوان «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران: مطالعه بین استانی» که توسط ابونوری و همکاران (۱۳۸۵: ۶۵) در مورد اثرات شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران انجام گرفته است. در این مطالعه، ابتدا توزیع درآمد بر اساس ضریب جینی و سهم

بیستک‌های درآمدی به تفکیک استان‌های کشور در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۱ محاسبه گردیده و سپس عوامل مؤثر بر توزیع درآمد مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس این مقاله، فرضیه‌ی کوزنتس پذیرفته نمی‌شود، همچنین افزایش درآمد سرانه سبب کاهش نابرابری اقتصادی، تورم و افزایش هزینه‌های دولتی، سبب افزایش نابرابری اقتصادی می‌شود.

ایونیه و همکاران^۱ (۲۰۱۸: ۱) در مقاله‌ی خود با عنوان «زکات برای فقرزدایی و کاهش نابرابری درآمد» به بررسی نقش زکات بر فقرزدایی و کاهش نابرابری درآمد در جاوای غربی در اندونزی پرداخته است. هدف از این تحقیق، تحلیل نقش برنامه‌های توزیع زکات در فقرزدایی و کاهش نابرابری درآمد در بین گروه‌های مناطق شهری و روستایی می‌باشد. این مطالعه، در مورد ۱۳۰۹ ذینفع زکات است که توسط شورای ملی زکات اندونزی به عنوان نهاد هماهنگ کننده زکات در شهرها و ناحیه‌های مختلف این کشور مدیریت می‌شود. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که به طور کلی، برنامه‌های توزیع مجدد زکات می‌توانند، سبب فقرزدایی شده و نابرابری درآمد را در بین ذی‌نفعان مشاهده شده‌ی زکات کاهش دهند.

ماسترومتنو و راسسو^۲ (۲۰۱۷: ۱۳۶) در مقاله‌ی خود با عنوان «نابرابری، صدقه، توسعه جهانی» به بررسی رابطه‌ی بین نابرابری و فعالیت‌های مشارکتی در امور خیریه پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این مقاله، افزایش نابرابری می‌تواند؛ باعث احساس همدلی و شفقت شود و در نتیجه نوع‌دوستی را افزایش دهد و احساس بخشندگی و هدیه دادن را افزایش دهد. البته از طرف دیگر، نابرابری می‌تواند فاصله‌ی اجتماعی و در نتیجه تفکیک اجتماعی را افزایش دهد و باعث کاهش مشارکت در مؤسسات خیریه به دلیل شناسایی ضعیف‌تر نیازمندان می‌شود. پژوهشگران در این مقاله به این نتیجه رسیده‌اند؛ نابرابری درآمد با احتمال مشارکت فعال در سازمان‌های خیریه، حتی پس از کنترل عوامل اقتصاد، جامعه‌شناسی، جمعیتی، فرهنگی و مذهبی ارتباط مثبتی دارد. از دیگر نتایج این تحقیق این است که زنان، افراد مذهبی و افراد تحصیل کرده، بیشتر احتمال مشارکت فعال در امور خیریه دارند.

سنادجکی و همکاران^۳ (۲۰۱۵: ۱) در مقاله‌ای با عنوان «اثر زکات بر نابرابری درآمد و فقر در

1. Ayuniyyah et al
2. Maštromatteo and Russo
3. Senadjki et al

مالزی» به بررسی تأثیر زکات بر نابرابری درآمد پرداخت در مالزی پرداختند. در این مقاله آمده است که زکات یک سیستم تأمین اجتماعی اسلامی علاوه بر سیستم اقتصادی-اجتماعی اسلام هست و هدف آن کاهش و به حداقل رساندن شکاف بین فقیرتر و ثروتمندتر در جوامع اسلامی است. بر این اساس، آثار نظری بسیاری در این زمینه وجود دارد؛ اما بررسی تجربی مورد غفلت واقع شده است. لذا در این مقاله با استفاده از روش تجزیه و تحلیل گشتاور تعمیم یافته، داده‌های پنل مربوط به ۱۴ ایالت کشور مالزی برای دوره ۲۰۰۱-۲۰۱۲ جهت بررسی تأثیر هزینه‌های زکات بر نابرابری درآمد و فقر در مالزی مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان داده که در حالی که زکات هیچ تأثیری بر نابرابری درآمد نداشته است، اما به طور معنی داری می‌تواند از میزان فقر و فقر سخت بکاهد.

هندل عبدالباکی^۱ (۲۰۱۳: ۱۳۳) در پژوهشی تحت عنوان «اثر زکات بر فقر و نابرابری درآمد در بحرین» به بررسی تأثیر پرداخت زکات بر نابرابری درآمد و فقر پرداخت. هدف از این پژوهش، ارزیابی تأثیر زکات بر فقر و نابرابری درآمد در بحرین است. برای دستیابی به این هدف، نویسنده شکست ابزارهای متداول اقتصاد را در درمان مشکلات فقر و توزیع نابرابر درآمد، تجزیه و تحلیل می‌کند و پس از آن توانایی زکات را در از بین بردن فقر در جامعه‌ی مسلمانان و از بین بردن شکاف درآمد نشان می‌دهد. سپس، نویسنده مقدار زکات در بحرین را تخمین می‌زند و نقش آن را در از بین بردن فقر و نابرابری درآمد بیان می‌کند. مهم‌ترین نتیجه‌ی این پژوهش این است که زکات می‌تواند؛ فقر را در کشورهای مسلمان از بین ببرد و در توزیع درآمد عدالت مطلوبی را بدست آورد. از توصیه‌های سیاستی این مقاله، پیشنهاد تصویب قوانینی جهت جمع‌آوری زکات از بخش‌ها، سازمان‌ها، نهادها و همچنین افراد مختلف در بحرین است. همچنین بر اساس پیشنهادات این مقاله، می‌بایست متولیان صندوق صدقات و زکات در بحرین، به طور کامل بین وجوه زکات و وجوه صدقات، تفکیک قائل بشوند تا بتوانند وجوه زکات را در بین هشت دریافت‌کننده‌ی قانونی آن توزیع کنند.

عثمان و همکاران^۲ (۲۰۱۲: ۱۲۰۹) در مقاله‌ی خود با عنوان «نقش زکات در حداقل کردن نابرابری اقتصادی در میان مسلمانان» به بررسی نقش زکات به عنوان یکی از انواع انفاق اجباری

1. Handal Abdelbaki

2. Othman et al

در کاهش نابرابری اقتصادی در میان مسلمانان در مالزی پرداختند. آنها در مقاله‌ی خود تأکید خاصی بر کسانی داشتند که وجوهات زکات را دریافت نمی‌کردند، در این مقاله فقرا و نیازمندانی که وجوهات زکات را دریافت نمی‌کنند، به سه دسته تقسیم شده‌اند: الف - کسانی که به دلیل ضوابط اداری و نه اقتصادی، زکات را رد می‌کنند، ب - کسانی که از در دسترس بودن وجوه زکات بی‌خبرند، ج - کسانی که به دلایل شخصی زکات را نمی‌پذیرند. یکی از اهداف این مطالعه، بررسی پدیده‌ی عدم پذیرش زکات و عوامل تعیین‌کننده‌ای که در این مسئله سهم دارند می‌باشد. از نتایج مهم این مقاله می‌توان به تأثیر پرداخت زکات بر کاهش نابرابری اقتصادی اشاره کرد.

سبحانی و همکاران (۱۳۸۷: ۲۳) در مقاله‌ی ای با عنوان «بررسی تأثیر انفاق بر نابرابری درآمدها در ایران» با استفاده از داده‌های مربوط به دوره‌ی زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۵ به بررسی تأثیر انفاق بر توزیع درآمد پرداخته است، در این مقاله از ضریب جینی، نسبت دهک دهم درآمدی به دهک اول درآمدی و نسبت ۲۰ درصد بالای درآمدی به ۲۰ درصد پایین درآمدی به عنوان شاخص‌های نابرابری استفاده شده است و مجموع درآمدهای اختصاصی کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) و کمک‌های اعطایی مردمی، نیز به عنوان شاخص انفاق در نظر گرفته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر انفاق سرانه بر هر سه شاخص نابرابری ذکر شده، منفی است؛ یعنی با افزایش انفاق سرانه، نابرابری درآمد کاهش یافته است، منتهی میزان تأثیرگذاری آن بسیار اندک است.

کیاءالحسینی (۱۳۸۷: ۱۴۹) در مقاله‌ی ای با عنوان «تأثیر خمس ارباح مکاسب بر توزیع درآمد» به بررسی تأثیر خمس ارباح مکاسب بر توزیع درآمد برای سالهای ۱۳۶۵-۱۳۸۴ پرداخته است، وی در این پژوهش با استفاده از مدل‌های شبیه‌سازی خرد و روش توزیع دو طرفه‌ی پارتو اقدام به تخمین و محاسبه‌ی خمس ارباح مکاسب در بین دهک‌های درآمدی نموده و سپس ضریب جینی را با در نظر گرفتن میزان خمس تخمینی پرداختی و بدون در نظر گرفتن آن محاسبه کرده است، نتایج به دست آمده نشان داد که ضریب جینی پس از پرداخت خمس بالقوه کمتر از ضریب جینی محاسباتی قبل از پرداخت خمس بالقوه است و در مجموع این مفهوم را می‌رساند که پرداخت خمس می‌تواند تأثیر مثبتی در کاهش نابرابری درآمد داشته باشد.

۴. ملاحظات مفهومی و نظری

۴-۱. عقلانیت اقتصادی^۱

در اقتصاد متعارف، «عقلانیت» به دو مفهوم «بیشینه‌سازی نفع شخصی» و «سازگاری درونی گزینش‌ها» تعریف شده است، قرائتی که از گذشته تاکنون در زمینه‌ی انتخاب عقلایی رایج بوده و به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی نظریه‌پردازی در اقتصاد کلاسیک به شمار آمده، عقلانیت به معنای تعقیب منافع شخصی است (سن^۲، ۱۳۷۷: ۵۲). بر این مبنا، در جامعه‌ی شکل گرفته از انسان‌ها، از عقل به عنوان ابزاری برای بیشینه‌سازی منافع شخصی بهره‌برداری می‌شود و انسان‌ها بر اساس منافع شخصی لحظه‌ای، منطبق بر عقلانیت خودپندار و مبتنی بر تقدم ترجیحات کوتاه‌مدت (با کمک ابزار مشخص)، انتخاب می‌کنند. بنابراین، انتخاب عقلایی یک روش مکانیکی مبتنی بر محاسبات پیچیده را معرفی کرده و فرض می‌کند که تمام انسان‌های عقلایی، از چنین روشی برای کسب حداکثر ساختن مطلوبیت بهره می‌گیرند (داودی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۷). در این نظریه، زندگی آدمی بر مبنای شناخت دقیق میان انسان، ابزار و محیط سامان گرفته و هدف آن، به دست آوردن کارایی و بازدهی بیشتر است. بر اساس این دیدگاه، انسان کنشگری است که اگر تنها بر اساس اصل «انتخاب حداکثرکننده‌ی نفع» عمل کند، عقلایی محسوب می‌شود (کلمن^۳، ۱۳۷۷: ۴۵). بر این اساس، انسان عقلایی در اقتصاد متعارف، کسی است که هیچ‌گونه احساسات و عواطفی ندارد و شاخص‌های مهم انسانی، از جمله دلسوزی برای دیگران، علاقه‌های مذهبی، انگیزه‌های مذهبی و بهره‌گیری از هنر متعالی در او نیست. چنین پنداری از انسان، کاملاً با واقعیات بیرونی در تضاد است (سیدعقیل و سید عمر^۴، ۱۹۸۹: ۷۹).

برخی اقتصاددانان نفع‌گرایی را ملاک مناسبی برای عقلانیت نمی‌دانند. برای نمونه، آمارتیاسن این ادعا را که عقلانیت مستلزم بیشینه‌سازی نفع شخصی باشد، اشتباه و نامناسب

1. rationality economic
2. Sen
3. Kelman
4. Syed Agil and Syed Omar

می‌داند (سن^۱، ۱۳۷۷: ۵۴). (زبیر^۲، ۲۰۰۲: ۹۵) نیز معتقد است، اصولاً گاهی انگیزه‌های معنوی و اخلاقی موجب می‌شود که انسان حتی خلاف منافع شخصی مادی اش عمل کند. از نظر او، در این حالات، نمی‌شود گفت این فرد، غیر عقلایی عمل کرده است و بر همین اساس نیز نمی‌توان، همواره پی‌جویی نفع شخصی را ملاک عقلانیت اقتصادی قرار داد. عقلانیت به معنای پی‌جویی نفع شخصی، تاکنون توسط اقتصاددانان متعارف و اقتصاددانان اسلامی به دلایل گوناگونی همچون توجه نکردن به هنجارهای اجتماعی، در نظر نگرفتن عواطف و احساسات انسانی، مکانیکی پنداشتن انسان، محاسبه‌گرایی ماشینی، نامحدود دانستن ظرفیت انسانی، توجه نکردن به انگیزه‌های اخلاقی و دگرخواهانه انسان و توجه نکردن به منافع اخروی و هنجارهای دینی، آماج انتقاد قرار گرفته است. عقلانیت به معنای سازگاری درونی گزینش‌ها نیز به دلایلی نظیر نداشتن انسجام درونی، عدم لزوم تطابق رفتارهای عقلایی با تحصیل هدف، ناممکن بودن حصول شناخت کامل اطلاعات و ترجیحات، بی‌توجهی به انگیزه‌ها و ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی مورد نقد واقع شده است. در دهه‌های اخیر، عقلانیت به مفهوم «سازگاری درونی گزینش‌ها»^۳ متداول شده است (بلاگ^۴، ۱۹۹۲: ۳۵). بر اساس این دیدگاه، انتخاب عقلایی، اساساً به مفهوم پی‌جویی نفع شخصی نیست؛ بلکه به معنای سازگاری درونی گزینش‌ها است (هاسمن^۵، ۲۰۰۶). بر اساس این رویکرد، زمانی رفتار اقتصادی انسان، عقلایی است که بین انتخاب‌ها و گزینش‌های وی، یک سازگاری درونی وجود داشته باشد و نتوان بین آنها تناقضی پیدا کرد (زولنای^۶، ۱۹۹۸: ۶۱۳). سازگاری درونی گزینش‌ها بدون در نظر گرفتن انطباقش با هدف، به تنهایی نمی‌تواند معرف عقلانیت باشد؛ به عنوان مثال اگر فردی دارای هدف الف باشد، اما رفتارهای او در جهت خلاف دستیابی به این هدف باشد، هر قدر هم که این رفتارها با یکدیگر سازگاری داشته باشند، نمی‌توان رفتارهای او را عاقلانه خواند؛ زیرا این افعال او منجر به تحقق هدف الف نشده است. از این رو، این رفتار قاعدتاً عقلایی هم

1. Sen
2. Zubair
3. Internal compatibility of selections
4. Blaug
5. Hausman
6. Zsolnai

محسوب نخواهد شد. این در حالی است که مطابق این رویکرد، باید به این رفتارها، رفتار عقلایی اطلاق شود (سن، ۱۳۹۰).

۴-۲. عقلانیت اقتصادی اسلامی

اقتصاددانان مسلمان اعتقاد دارند؛ تکیه بر منافع شخصی در نظریه «انتخاب»، مستلزم نادیده گرفتن نقش آداب و رسوم، سنت‌های اجتماعی و دینی در فعالیت‌های اقتصادی است. این در حالی است که انسان‌ها علاوه بر ذهن اقتصادی، دارای ذهن عرفی هستند و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی عموم مردم، نوع دوستی، انصاف، عدالت، صداقت، مهربانی و ارزش‌های دینی نقش مهمی ایفا می‌کند (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۴: ۳۹). از نظر اسلام، بر خلاف دیدگاه اقتصاد متعارف، گستره‌ی نفع محدود به نفع دنیوی نبوده و شامل نفع اخروی نیز می‌شود؛ بر این اساس، هدف و انگیزه مسلمان عاقل، بیشینه کردن سر جمع لذت‌های دنیایی و آخرتی و کمینه کردن سر جمع رنج‌های دنیایی و آخرتی است (میر معزی، ۱۳۸۴: ۵۵). برخی اقتصاددانان مسلمان، ضمن رد نفع‌گرایی مادی، جایگزین‌هایی معرفی می‌کنند. برای مثال، صدیقی^۱ (۱۹۷۲: ۷۹) تصریح می‌کند که انسان عقلایی در اقتصاد اسلامی، کسی است که به دنبال بیشینه کردن تطابق رفتار خود با هنجارهای اسلامی است، انسانی عقلایی عمل می‌کند که رفتارش همواره مطابق استانداردهای اخلاقی باشد؛ نه اینکه پیوسته در پی بیشینه کردن نفع شخصی خویش باشد.

اگر سازگاری بین رفتارها و انتخاب‌ها تنها ملاک عقلانیت باشد، این بدان معناست که انگیزه‌ها و ارزش‌های فردی، دینی و اجتماعی، هیچ نقشی در عقلانیت اقتصادی ندارند؛ در حالی که در واقعیت خارجی، ترجیح یا عدم ترجیح گزینه‌ها بر یکدیگر، بدون توجه به انگیزه‌ها و ارزش‌ها، عملاً مقدور نیست (کرمی و دیرباز، ۱۳۸۴: ۴۱). در جهان بینی اسلامی، رفتار عقلایی صرفاً بر اساس سازگاری شکل نگرفته و دخالت دادن عواملی نظیر نوع دوستی و تعامل اجتماعی در عقلانیت فرد، مؤثر است (سیدعقیل و سید عمر^۱، ۱۹۸۹: ۷۹).

1. Siddiqi

2. Syed Agil and Syed Omar

۳-۴. عقلانیت طیفی اسلامی و انفاق

از نگاه اسلامی، عقلانیت و انتخاب عقلایی یک مفهوم طیفی دارای مراتب است؛ بدین معنا که ممکن است فرد «الف» از فرد «ب» به سبب آنکه در انتخاب‌هایش از عقلانیت بیشتری بهره برده است، عاقل‌تر محسوب شود. البته این لزوماً به معنای عاقل نبودن فرد «ب» نیست بلکه گاهی صرفاً به معنای آن است که فرد «الف» نسبت به «ب» از عقلانیت بیشتری برخوردار است. با توجه به این موضوع، می‌توان گفت؛ عقلانیت دارای دامنه‌ی وسیعی است که از حد مرزی عقلانیت (نزدیک به عقلانیت صفر)، آغاز می‌شود و تا عقلانیت بی‌نهایت که مختص انسان کامل است، گسترده می‌شود. با بررسی ۸۶ آیه از آیات قرآن و ۷۰ روایت مرتبط با مفهوم عقلانیت و شروط آن، به دست می‌آید که عقلانیت اقتصادی در رویکرد اسلامی، باید دربرگیرنده‌ی چهار مؤلفه‌ی تبعیت از تکالیف الهی، منفعت‌گرایی فراگیر، محاسبه‌گری جامع‌نگر و جمع‌آوری اطلاعات تا سرحد علم و یقین باشد (داودی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۲). انتخاب یک فرد می‌تواند با توجه به مؤلفه‌های گفته شده کاملاً عقلانی یا کاملاً غیرعقلانی باشد؛ یا وضعیتی بینابین داشته باشد.

بر این اساس، عقلانیت کامل زمانی تحقق می‌یابد که فرد در انتخاب‌های خود از تمامی احکام الهی تبعیت کند؛ منافع را به شکلی فراگیر (منفعت خود، دیگران و منفعت دنیا و آخرت) دنبال کند؛ محاسبه‌گری فرد، جامع باشد و تمام عوامل مادی، معنوی و فرامادی را هنگام تصمیم در نظر بگیرد و داده‌ها و اطلاعات را تا رسیدن به علم و یقین جمع‌آوری کند و بر مبنای آن تصمیم بگیرد. تحقق نیافتن کامل هر یک از این مؤلفه‌ها، می‌تواند موجب ضعف عقلانیت شود. اگر هیچ یک از این مؤلفه‌ها محقق نشود، با عدم عقلانیت کامل روبرو می‌باشیم. بین این دو حد وضعیتی را داریم که تحقق مؤلفه‌های عقلانیت، به صورت کامل صورت نگرفته است.

پیامبر اکرم و ائمه معصومین (صلوات الله علیهم) به‌عنوان انسان‌های کامل، از عقلانیت حداکثری برخوردارند. آنان به دنبال کسب منافع آخروی می‌باشند؛ در عین حال، آنان از جانب خداوند فرمان می‌پذیرند که آنچه را از امور مادی، بر آنان حلال شده است، را بر خود حرام نکنند.

خدای متعال در آیه‌ی اول سوره‌ی مبارکه تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ

اللَّهُ لَكَ»، ای پیغمبر گرامی برای چه آن را که خدا بر تو حلال فرمود تو بر خود حرام می‌کنی. به همین ترتیب، اصحاب و شیعیان رسول خدا و ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) نیز به تبعیت از این بزرگواران، هر قدر رفتار خود را با ایشان منطبق کنند، از درجه‌ی عقلانیت بالاتری برخوردار خواهند شد (داودی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۲).

بر این اساس، مصرف‌کننده‌ی عقلایی، مصرفش را در طیفی از دایره‌ی حد کفاف تنظیم می‌کند. این محدوده، بین کرانه‌ی تعلق زکات و کرانه‌ی اسراف و اتراف قرار دارد (داودی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۲).

از سوی دیگر، بر فرض که درآمد فرد، بیش از تأمین هزینه‌های مصرف مشروع باشد، در این صورت، وی با مازاد بودجه مواجه خواهد شد. این بودجه‌ی اضافی با فرض اینکه فرد هیچ‌گونه مصرف دیگری نداشته باشد و در دنیای دو کالایی باشیم، نمی‌تواند معطل بماند. خدای متعال در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی مبارکه توبه می‌فرماید: «... وَالَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»، ... و کسانی را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، به عذاب دردناکی مژده ده.

بر این اساس، یک فرد مسلمان حق ندارد، دارایی پولی یا سرمایه‌ی فیزیکی خود را معطل بگذارد. وی می‌بایست بخشی از بودجه‌ی خود را صرف تأمین هزینه‌های خانواده، بخشی را سرمایه‌گذاری و بخشی را صرف رساندن طبقات کمتر از حد عرف جامعه به حد کفاف (انفاق) نماید. در این صورت، وی از عقلانیت کامل برخوردار است. در حالت مقابل، اگر فرد به کنز اموال اقدام کند و از انفاق در راه خدا بپرهیزد، رفتارش غیرعقلایی محسوب می‌گردد. بدین ترتیب، می‌توان گفت بر اساس نظریه‌ی عقلانیت اسلامی طیفی، عده‌ی زیادی از افرادی که در حد میانی عقلانیت قرار دارند، بخشی از اموالشان را در راه خداوند و واجبات نظامیه صرف کرده، بخشی را نیز در طرح‌های اقتصادی دارای منفعت شخصی سرمایه‌گذاری می‌کنند (یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

۴-۴. انفاق و صدقه

هر دو واژه انفاق و صدقه به معنای خرج کردن مال در راه خدای متعال است و این کار می‌تواند در قالب عمل واجب و مستحب انجام بگیرد و هر دو از نظر روایات اسلامی معنای گسترده

و وسیعی دارند، در روایات دینی داریم که انجام هر گونه کار نیکی، در حکم صدقه و انفاق محسوب می‌شود. صدقه یکی از نهادهای ارزشمند اقتصاد اسلامی می‌باشد، در آیات مختلف قرآن کریم و همچنین احادیث بسیاری از چهارده معصوم (صلوات الله علیهم اجمعین) بر دادن صدقه و انفاق در راه خداوند متعال تأکید شده است. با توجه به اینکه انفاق، هم به صورت مالی و هم غیر مالی می‌تواند اتفاق بیفتد، در این مقاله، منظور ما از انفاق، بعد مالی آن است که به صورت صدقات پرداخت می‌شود.

۴-۵. منافع انفاق و تأثیر آن بر توزیع درآمد

در شرع مقدس اسلام، صدقه دادن از امور مهم برای رفع فاصله‌ی طبقاتی و رسیدن انسان‌ها به سعادت و تکامل است. با این توضیح که فرد انفاق‌کننده با بخشش سرمایه‌های مادی و معنوی، روح خود را از رذایل اخلاقی نجات داده و نزد خداوند اجری عظیم دریافت می‌کند و فردی که مورد انفاق قرار گرفته، فرصت بیشتری برای ارتباط با خداوند یافته و امیدوار به اجرای عدالت در جامعه می‌گردد. بر اساس آیات و روایات می‌توانیم دلایل مختلفی را در جهت تأثیرگذاری مثبت پرداخت صدقات و انفاق در کاهش نابرابری درآمد ذکر نماییم. در قرآن کریم در چندین آیه، جبران و افزایش مال انفاق‌کننده مورد تأکید قرار گرفته است، بر اساس آیه ۳۹ سوره مبارکه سبأ، خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ إِنْ رَبِّي يَشُدُّ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»، «بگو: یقیناً پروردگارم رزق را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می‌دهد یا تنگ می‌گیرد و هر چه را انفاق می‌کنید (چه کم و چه زیاد) خدا عوضی را جایگزین آن می‌کند و او بهترین روزی‌دهندگان است». جمله‌ی «فَهُوَ يُخْلِفُهُ» به معنی «او جایش را پر می‌کند»، تعبیر جالبی است که نشان می‌دهد آنچه در راه خدا انفاق گردد در حقیقت يك تجارت پر سود است، چرا که خداوند عوض آن را بر عهده گرفته و هنگامی که موجود کریمی، عوض چیزی را بر عهده می‌گیرد، رعایت برابری و مساوات نمی‌کند، بلکه چند برابر و گاه صد چندان، جبران می‌کند. البته این وعده الهی منحصر به آخرت و سرای دیگر نیست، آن که در جای خود مسلم است؛ در دنیا نیز با انواع برکات جای انفاق‌ها را به نحو احسن پر می‌کند. بنابراین این آیه تأییدکننده جبران مادی برای انفاق‌کننده می‌باشد. آیه‌ی ۲۷۲ سوره‌ی بقره نیز همین‌گونه تفسیر شده است: «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا

تَنْفِقُوا مِنْ خَيْرِ فَلَا تُنْفِسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»، «(ای پیامبر) هدایت آنان (به سوی اخلاص در انفاق و ترک مت و آزار) بر عهده‌ی تو نیست، وظیفه‌ی تو ابلاغ پیام و اتمام حجت است، بلکه خداست که هر کس را بخواهد هدایت می‌کند. (ای اهل ایمان) هر مالی را که انفاق کنید، به سود خود شماست و این در صورتی است که، جز برای طلب خشنودی خدا انفاق نکنید و آنچه از مال (بازرزش و بی‌عیب) انفاق کنید، پاداشش به طور کامل به شما داده می‌شود و مورد ستم قرار نخواهید گرفت». در آیه‌ی ۲۴۵ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره تأکید شده است که خداوند افزون بر جبران سرمایه‌ی انفاق شده، گاه چند برابر آن را به انفاق‌گر می‌دهد: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ أضعافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»، «کیست که برای جلب خوشنودی خدا به نیازمندان قرض الحسنه بپردازد تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که (روزی را) تنگ می‌گیرد و وسعت می‌دهد و (همه شما را برای دریافت پاداش) به سوی او بازمی‌گرداند». مراد از «وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ» این است که قبض و بسط روزی به دست خداست و او توانایی آن را دارد که در عوض آنچه از مال انفاق کننده کم می‌شود، چند برابر آن را بدهد.

بدین ترتیب، چارچوب مفهومی بر اساس آیات و روایات، تأیید کننده‌ی این فرضیه است که یکی از مصادیق عقلانیت اقتصادی اسلامی، یعنی انفاق و صدقه دادن در راه خدا، می‌تواند منجر به کاهش نابرابری درآمد در جامعه‌ی اسلامی گردد.

سایر فرضیات به شرح ذیل می‌باشد:

- رابطه بین رشد اقتصادی و ضریب جینی در ایران، بر اساس نظریه کوزنتس و تأیید کننده آن است.
- افزایش نرخ بیکاری، بر وضعیت توزیع درآمد، تأثیر منفی دارد.

۵. روش تحقیق

در تحقیق حاضر، جهت گردآوری مبانی نظری، تجربی، آمار و ارقام و مستندات تاریخی از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است و آمار مورد استفاده، مجموعه داده‌های تابلویی، مربوط به ۲۴ استان ایران برای سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ را در بر می‌گیرد که به دلیل محدودیت داده‌های در دسترس، ۲۴ استان و بازه‌ی زمانی مورد نظر مورد بررسی قرار گرفته است. آمار

مربوط به میزان صدقات و سایر کمک‌های مردمی از سالنامه‌های آماری منتشر شده، توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) به دست آمده است و آمار مربوط به سایر متغیرهای اقتصادی و جمعیت‌شناختی از سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران و طرح‌های سرشماری این مرکز استخراج گردیده است و در نهایت با استفاده از مبانی نظری و تجربی، الگوی اقتصادسنجی مناسب معرفی و با استفاده از نرم افزار ایویوز^{۸۱}، تأثیر انفاق به عنوان نماد عقلانیت اقتصادی بر توزیع درآمد به عنوان شاخص رفاه بررسی می‌شود.

۶. یافته‌های پژوهش

مدل مورد استفاده برای بررسی اثر انفاق و سایر متغیرهای اقتصادی و جمعیت‌شناختی بر روی توزیع درآمد، با توجه به مقاله‌ی سناده‌جکی و همکاران (۲۰۱۵) و سایر مبانی نظری ذکر شده، به صورت زیر تصریح شد:

$$D_i = C + \beta_1 A_{pi} + \beta_2 Gdp_{pi} + \beta_3 Gdp_{pi}^2 + \beta_4 U_i \quad (۶)$$

در این معادله:

D_i ، نشان دهنده‌ی ضریب جینی،

A_{pi} سرانه‌ی صدقه‌ی پرداختی،

Gdp_{pi} تولید ناخالص داخلی سرانه،

U_i نرخ بیکاری جمعیت ده سال به بالا.

انتظار بر این است که علامت ضرایب تخمینی $\beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4$ به ترتیب، منفی، مثبت، منفی و مثبت باشد، به عبارت دیگر، انتظار بر این است که افزایش میزان صدقات و انفاق‌ها سبب کاهش شکاف طبقاتی و افزایش بیکاری باعث افزایش شکاف طبقاتی شود. از طرف دیگر انتظار بر تأیید فرضیه کوزنتس است. بر این اساس، رابطه‌ی بین توسعه‌ی اقتصادی و توزیع درآمد می‌بایست به صورت U معکوس باشد؛ یعنی از نظر ریاضی باید ضریب $GDPS$ مثبت و ضریب $GDPS^2$ منفی باشد تا رابطه‌ی بین توزیع درآمد و تولید ناخالص داخلی سرانه به صورت U معکوس شود.

بیکاری و ضریب جینی که با ضریب β_4 در مدل نشان داده شده است، نیز مثبت است، یعنی با افزایش نرخ بیکاری، ضریب جینی افزایش می‌یابد که نشان‌دهنده‌ی بدتر شدن وضعیت توزیع درآمد در جامعه می‌باشد.

۲-۶. آزمون سارگان

همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده، نتیجه‌ی آزمون سارگان نشان می‌دهد؛ فرضیه‌ی صفر، مبنی بر معتبر بودن متغیرهای ابزاری رد نمی‌شود و مفهوم آن این است که عدم همبستگی ابزارها با جملات پسماند پذیرفته شده و لذا، ابزارهای به کار گرفته شده معتبر می‌باشند، به عبارت دیگر، متغیر مقدار وقفه‌دار مرتبه اول سرمایه انسانی، برای حذف اثرات همبستگی بین جملات اختلال و متغیر توضیحی یعنی مقدار وقفه دار تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی، مناسب است.

جدول ۲. نتایج آزمون سارگان

مقدار آماره کای دو	درجه آزادی	ارزش احتمال
۲۳/۹۳۷۹۹	۲۳	۰/۲۴۵۱۱

منبع: محاسبات تحقیق

۳-۶. بررسی فرضیات پژوهش

- فرضیه‌ی اول (اصلی)

همانطور که یافته‌ها نشان داد، بین ضریب جینی و سرانه‌ی صدقه‌ی پرداختی رابطه‌ی معکوس وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان صدقه پرداختی و انفاق هر نفر، شکاف طبقاتی کاهش می‌یابد؛ به عبارت دیگر، افزایش عقلانیت اقتصادی اسلامی منجر به افزایش رفاه جامعه‌ی اسلامی می‌شود. بر این اساس، فرضیه‌ی اصلی این پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت عقلانیت اقتصادی اسلامی و نهادینه کردن آن به عنوان یکی از الزامات تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بر بهبود رفاه جامعه اسلامی، مورد تأیید قرار گرفت.

- فرضیه دوم (فرعی)

مثبت بودن ضریب β_2 و منفی بودن ضریب β_3 ، از نظر ریاضی به این معناست که رابطه‌ی معکوس بین تولید ناخالص داخلی سرانه به عنوان متغیر مستقل و توزیع درآمد به عنوان متغیر

وابسته، وجود دارد و به عبارت دیگر، بر اساس داده‌های این پژوهش، نظریه‌ی کوزنتس در بازه‌ی زمانی مورد مطالعه در ایران، مورد تأیید قرار گرفت. بدین ترتیب فرضیه‌ی دوم این تحقیق نیز مورد تأیید قرار گرفت، یعنی با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه، ابتدا وضعیت توزیع درآمد بدتر شده، اما در ادامه با افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه، وضعیت توزیع درآمد بهتر می‌شود و در واقع شکاف طبقاتی کاهش می‌یابد.

- فرضیه سوم (فرعی)

بر اساس فرضیه‌ی سوم، افزایش نرخ بیکاری تأثیر منفی بر توزیع درآمد دارد، با توجه به مثبت بودن ضریب β_4 ، این فرضیه نیز مورد تأیید قرار گرفت، به عبارت دیگر بین نرخ بیکاری و شاخص توزیع درآمد، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد؛ به این معنی که با افزایش نرخ بیکاری، ضریب جینی افزایش یافته و به عبارت دیگر، وضعیت توزیع درآمد بدتر می‌شود و شکاف طبقاتی افزایش می‌یابد.

با توجه به یافته‌های تحقیق و تأیید فرضیه‌ی اصلی مبنی بر نقش مثبت عقلانیت اقتصادی اسلامی و تحقق الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی بر بهبود رفاه جامعه‌ی اسلامی، توصیه می‌گردد. دولت و دست اندرکاران برنامه‌ریزی کشور در خصوص تقویت عقلانیت اقتصادی اسلامی و نهادینه کردن آن، زمینه‌ی لازم را در جهت گسترش فرهنگ انفاق و صدقه دادن به عنوان یکی از مصادیق عقلانیت اسلامی، فراهم نمایند و در کنار تقویت این فرهنگ، موانع ساختاری و نهادی در این زمینه را از بین ببرند. همچنین شفافیت هر چه بیشتر در نحوه‌ی هزینه‌کرد صدقات جمع‌آوری شده و تبیین نقش آن در کاهش ضریب جینی و افزایش رفاه جامعه اسلامی می‌تواند، نقش بسزایی در گسترش این فرهنگ، بیشینه شدن عقلانیت اقتصادی اسلامی در جامعه گردد.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در ایران، توجه به مبانی اقتصاد اسلامی هم به دلیل ساختار حکومت اسلامی و هم به دلیل علایق مردم مسلمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که بررسی مفاهیم اقتصاد اسلامی و تأثیرگذاری آن بر وضعیت جامعه از جمله مسائل اقتصادی از اهمیت به سزایی برخوردار است. علاوه بر این، مطرح شدن موضوع اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از اوایل دهه‌ی ۹۰ شمسی و لزوم توجه به تغییر سبک زندگی و تقرب هر چه بیشتر

به سبک زندگی اسلامی ایرانی، اهمیت توجه به مفاهیم اقتصاد اسلامی را دو چندان کرده است. عقلانیت اقتصادی در اقتصاد متعارف و عقلانیت اقتصادی اسلامی در اقتصاد اسلامی، از مفاهیم مهم و کلیدی تعیین‌کننده رفتارهای عاملین اقتصادی می‌باشند، از این رو تفاوت در این مفاهیم، سبب تغییر رفتار عاملین اقتصادی در جوامع اسلامی و غیراسلامی می‌شود و در نتیجه بر متغیرهای اقتصادی-اجتماعی می‌تواند، تأثیر متفاوتی داشته باشد. عقلانیت در اقتصاد متعارف به طور کلی در دو مفهوم «بیشینه‌سازی نفع شخصی» و «پی‌جویی نفع شخصی» خلاصه می‌شود، اما در اقتصاد اسلامی، عقلانیت اقتصادی تعریفی فراتر دارد و حداکثرسازی مطلوبیت دنیوی و اخروی مدنظر قرار می‌گیرد. بر اساس نظریه‌ی «عقلانیت طیفی اسلامی»، مسلمان عاقل بر حسب نوع کمال نفسانی که دارد، درون حد کفاف اقدام به مصرف می‌کند و با سرمایه‌گذاری بخشی از اموال و همچنین انفاق در راه خداوند، رفاه جامعه را افزایش می‌دهد. بر این اساس در این مقاله به بررسی تجربی نقش عقلانیت اقتصادی بر بهبود رفاه جامعه اسلامی پرداخته شده است.

همانطور که در ادبیات موضوع اشاره شده، بر اساس تعاریف مختلف عقلانیت اقتصادی اسلامی، سنجه‌های متفاوتی می‌توان برای اندازه‌گیری این مفهوم و کمی‌سازی آن به کار گرفت. یکی از این سنجه‌ها که قابلیت اندازه‌گیری و مقایسه دارد، صدقه دادن و به طور کلی انفاق در راه خدای متعال است که بر اساس مبانی نظری، هر چقدر میزان انفاق در یک جامعه‌ی اسلامی بیشتر باشد، نشان دهنده‌ی رفتار عقلایی‌تر در جامعه‌ی مذکور می‌باشد. برای اندازه‌گیری رفاه جامعه نیز از چگونگی توزیع درآمد در جامعه استفاده شده است و بدین ترتیب برای بررسی تجربی چگونگی تأثیر عقلانیت اقتصادی اسلامی بر رفاه جامعه‌ی اسلامی، نحوه‌ی اثرگذاری انفاق بر توزیع درآمد در جامعه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. متغیر مورد استفاده جهت اندازه‌گیری انفاق، میزان صدقات سرانه پرداختی و متغیر مورد بررسی جهت اندازه‌گیری توزیع درآمد، ضریب جینی می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابونوری، اسمعیل و خوشکار، آرش (۱۳۸۵). «اثر شاخص های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران: مطالعه بین استانی»، مجله تحقیقات اقتصادی، بهمن و اسفند، شماره ۷۷، صص ۶۵-۹۵.
۳. بختیاری، صادق؛ رنجبر، همایون و قربانی، سمیه (۱۳۹۱). «شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی و اندازه گیری آن برای منتخبی از کشورهای در حال توسعه»، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۳، شماره ۹، صص ۴۱-۵۸.
۴. داودی، پرویز؛ توکلی، محمدجواد و پناهی بروجردی، محمدمسعود (۱۳۹۶). «عقلانیت طیفی اسلامی در مقابل نظریه انتخاب عقلایی اقتصاد متعارف»، فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، پاییز و زمستان، شماره ۱۷، صص ۶۷-۸۲.
۵. سبحانی، حسن و مهربانی، وحید (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر انفاق بر نابرابری درآمدها در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۲۳-۴۴.
۶. سن، آمارتی (۱۳۷۷)، «اخلاق و اقتصاد»، ترجمه حسن فشارکی، تهران: شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب.
۷. شوریده بخت، زینب (۱۳۸۹). «بررسی عقلانیت در اقتصاد اسلامی و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۸. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). «بنیادهای نظریه اجتماعی»، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
۹. کیاءالحسینی، سید ضیاءالدین (۱۳۸۷). «تأثیر خمس ارباح مکاسب بر توزیع درآمد، مطالعه موردی ۱۳۶۵-۱۳۸۴»، فصلنامه مالیات، دوره جدید، شماره اول (مسلسل ۴۹)، صص ۱۴۹-۱۷۷.
۱۰. میر معزی، سید حسین (۱۳۸۴). «اقتصاد کلان با نگرش اسلامی»، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
۱۱. یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵). «رابطه کفاف و توسعه در مصرف بر اساس روایات اسلامی»، علوم و حدیث، شماره ۲، صص ۱۳۸-۱۵۸.

12. Abdelbaki, H. H. (2013). "The impact of zakat on poverty and income inequality in Bahrain. *Rev. Integr. Bus. Econ. Res* 2(1), 133-154.
13. Ayuniyyah, Q., et al. (2018). "Zakat for poverty alleviation and income inequality reduction: West Java, Indonesia." *Journal of Islamic Monetary Economics and Finance* 4(1): 1-16.
14. Senadjki, A., Nachef, T., & Rusli, N. (2015). *The Impact of Zakat on Income Inequality and Poverty in Malaysia: A Panel Data Analysis*. Market Forces College of Management Sciences.
15. Blaug, M. and B. Mark (1992). *The methodology of economics: Or, how economists explain*, Cambridge University Press.
16. Hasan, Zubair (2002): Maximisation postulates and their efficacy for Islamic economics. Published in: *American Journal of Islamic Social Sciences*, Vol. 19, No. 1 (2002): pp. 95-118.
17. Mastromatteo, G. and F. F. Russo (2017). "Inequality and charity." *World development* 96: 136-144.
18. Othman, A. and A. Noor (2012). Role of zakat in minimizing economic inequalities among Muslim: A preliminary study on non-recipients of zakat fund (NRZF). 3rd International Conference on Business and Economic Research (ICBER 2012), Bandung, Indonesia, 1209-1212.
19. Siddiqi, M. N. (1972). *The economic enterprise in Islam*, Islamic Publications.
20. Zsolnai, L. (1998). "Rational choice and the diversity of choices." *The Journal of Socio-Economics* 27(5): 613-622.